



خوشبختی رسیدن به کمال مطلوب است/ نوع خوشبختی به شناخت انسان بر می گردد

یک عضو عیثت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية با بیان اینکه خوشبختی براساس تفکرات انسان و دستگاه فکری و اندیشه ای او تعریف می شود...

آیت الله غرویانی:

خوشبختی رسیدن به کمال مطلوب است/ نوع خوشبختی به شناخت انسان بر می گردد
 یک عضو عیثت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية با بیان اینکه خوشبختی براساس تفکرات انسان و دستگاه فکری و اندیشه ای او تعریف می شود، گفت: انسان براساس جهان بینی و فلسفه و نظام اعتقاداتی که دارد کمالی را برای خودش در نظر می گیرد و به سمت کمال حرکت می کند و در حقیقت خوشبختی به معنای رسیدن به آن کمال مطلوب است. واژه خوشبختی در لغت، به معنای سعادت و خوش طالعی است. در مورد راه های رسیدن به خوشبختی، دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. مفهوم سعادت در همه نظام ها، اسلامی یا غیر اسلامی، یک مفهوم مقایسه ای است و به معنی دوام لذت و یا دوام نسبی لذت است و حتی مکاتب مادی نیز در زمینه سعادت دنیوی همین تفسیر را دارند. از این رو مثلاً به کسی که از مواد مخدر استفاده می کند و در دفعات نخستین از مصرف آن لذت فوق العاده می برد، در هیچ مکتبی حتی مکتب های مادی گفته نمی شود که او «سعادت مند" است؛ زیرا، در ورای این لذتها و در باطن این احساسات و ادراکات لذتبخش، بدبختیها و سیه روزی های بسیار وجود دارد. یکی از دانشمندان غربی می گوید: یکی از بزرگان گذشته 288 عقیده مختلف را درباره خوشبختی، نقل می کند که تمام این عقاید را فیلسوفان و بزرگان جهان، اظهار داشته اند و هر یک از آنها برای وصول به خوشبختی راه متفاوتی را نشان داده اند. در گفتگو با آیت الله محسن غرویانی، عضو هیئت علمی جامعة المصطفی (ص) العالمية و از اساتید حوزه علمیه قم ابعادی از این بحث بررسی شد که اکنون از نظر شما می گذرد.

*خوشبختی به عنوان یک دغدغه تاریخی برای بشر و خصوصاً انسان معاصر چگونه تعریف می شود و اصولاً چگونه به دست می آید؟

خوشبختی براساس تفکرات انسان و دستگاه فکری و اندیشه ای او تعریف می شود. انسان براساس جهان بینی و فلسفه و نظام اعتقاداتی که دارد کمالی را برای خودش در نظر می گیرد و به سمت کمال حرکت می کند و خوشبختی در حقیقت به معنای رسیدن به آن کمال مطلوب است. دستگاه های فکری و نظام های فلسفی در عالم متفاوت هستند و هر جامعه و ملتی برای خود نظام باورها و عقیده خاصی دارد و نظام عقیدتی هم مشتمل بر انسان شناسی خاصی است، یعنی هر دستگاه فکری، انسان شناسی محسوس به خودش دارد. هر فردی براساس انسان شناسی که در مجموعه نظام فکری خود تعریف می کند برای خود هدف و کمالی را مطلوب می داند و به سمت آن کمال حرکت و تلاش می کند و هر چقدر که به سمت کمال مطلوب نزدیکتر شود احساس خوشبختی بیشتری خواهد داشت.

*تفاوت خوشبختی در اندیشه غربی با نگاه اسلامی در چیست؟

البته به طور یکسان نمی توان در مورد نگاه غرب صحبت کرد، چون تفاوت هایی بین متفکرانشان وجود دارد، اما اگر به طور کلی بخواهیم نگاه غربی را از نگاه دینی و اسلامی یا نگاه شرقی خودمان متمایز کنیم، می توانیم بگوئیم که در نگاه غربی خوشبختی در همین حیات دنیا و لذات دنیوی و مادی خلاصه می شود، ولی در نگاه اسلامی و دینی خوشبختی در رسیدن به لذات و التذات دنیوی و مادی خلاصه نمی شود بلکه اگر التذات مادی ما را به التذات معنوی هم برساند نشانه خوشبختی است، یعنی ملاک رضایتمندی و احساس التذات نسبت به لذات معنوی است.

می توان گفت این فرق عمده و اساسی بین نگاه غربی و اسلامی است، ولی در تفسیرها اختلاف نظرهایی وجود دارد مثلاً برخی از علمای ما التذات دنیوی و التذات معنوی و اخروی را قابل جمع می دانند و قائلند که منافاتی بین آنها نیست یعنی هم می توان التذات دنیوی و مادی را داشت و هم به التذات معنوی رسید، اما برخی اینها را با همدیگر متنافی و متباین می دانند یعنی معتقدند اگر بخواهیم به التذات معنوی و اخروی برسیم باید خودمان را از التذات مادی و دنیوی محروم کنیم و اینها را بر خودمان ممنوع کنیم. این اختلاف دیدگاه ها در میان علمای ما وجود داشته و دارد.

*چرا جوانان ما خوشبختی را بیشتر در امکانات مادی و مالی می بینند؟

به نظرم این امر به خاطر معرفت است، یعنی به مسأله شناخت و معرفت بر می گردد، چون احساس انسان به درجه معرفت و شناخت او بستگی دارد، اگر شناخت و معرفت جوانهای ما ضعیف باشد و دنیا و هستی را در همین حیات مادی خلاصه کنند، طبیعتاً خوشبختی و احساس لذت و التذات آنها هم در همین حد دنیا و التذات مادی خلاصه می شود اما اگر معرفت و شناخت و بینششان

با مطالعه و تفکر وسیع تر شود طبیعتاً احساس لذتشان هم عمیق تر می شود و به مسائل معنوی رغبت بیشتری پیدا می کنند. بنابراین پاسخ من این است که این امر به میزان شناخت انسان از عالم و آدم بستگی دارد و هر چقدر معرفت وسیع تر و عمیق شود، دایره لذات و التذات هم وسیع تر خواهد شد.

*آیا در آثار دینی و فلسفی ایرانی اسلامی بابت بنام خوشبختی وجود دارد و اگر هست به چه مسائلی تمرکز دارد و می پردازد؟

در واقع خوشبختی، ترجمه «سعاد« است و انسان سعید یعنی انسان خوشبخت. بحث سعادت در کنار بحث «کمال« از قدیم الایام در کتابهای فلسفی اسلامی و فلسفه ایرانی و عرفان ایرانی و اسلامی مطرح بوده است، حتی پیش از اسلام بحث سعادت و کمال در آثار سقراط، افلاطون، ارسطو آمده است. بحث سعادت و کمال یک بحث فلسفی انسانی است که به قدمت تاریخ انسان بر می گردد. در روایات اسلامی، بحث سعادت و شقاوت در کنار هم آمده است؛ اینکه چه انسانهایی سعید و چه انسانهایی شقی هستند. بحث کمال و کمال طلبی مطرح بوده است و در ادبیات عرفانی و شعری ما هم در آثار مولانا، حافظ، سعدی و ... فراوان مطرح شده است چون ریشه فطری انسانی دارد و از انسان جدا نیست.